

مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای
سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۹
دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ - پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱۲
صص ۱۱۳-۱۳۶

بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان

وحید قاسمی: استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ایران*
سمیه نگیسی: کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و شناخت عوامل مداخله‌گر تأثیرگذار بر احساس هویت‌مندی در محلات امروز می‌پردازد. این که چه ویژگی‌ها و عواملی موجب تشخیص و تمایز هویت بخشی به یک بافت محلاتی می‌گردد؟ ضرورت وجود هویت مکان چیست؟ و به کدام نیاز انسان پاسخگوست؟ و شاخص‌های هویت ساز در بافت محلات موفق کدامند؟ چهار سوال اساسی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. روش به کار رفته در این پژوهش پیمایشی بود و داده‌های مورد نیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه در میان ۲۶۰ نفر از ساکنان ۲۰ سال به بالای دو محله مرداویج و عباس‌آباد در شهر اصفهان بصورت پیمایش تطبیقی اجرا شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، تصادفی منظم بوده است. در تحلیل آماری از رگرسیون خطی برای آزمون فرضیات استفاده شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان احساس هویت محله‌ای در هر دو محله عباس‌آباد و مرداویج در سطح متوسط و کم قرار دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش نیز نشان می‌دهد سطح بافت محلات بر هویت اجتماعی محله‌ای در هر یک از دو محله دارای تأثیر است. همچنین سطح متغیر نفوذ پذیری و سطح متغیر در هم‌تندگی بر احساس هویت محله‌ای در هر دو محله دارای تأثیر است، اما تأثیر سطح متغیر خوانایی بر هویت محله‌ای در محله‌ی عباس‌آباد وجود ندارد، در صورتی که مرداویج تأثیر متغیر خوانایی بر هویت محله‌ای با شدت ضعیف نشان داده شد.

واژه‌های کلیدی: بافت محلات، هویت محله‌ای، خوانایی، در هم‌تندگی، نفوذ پذیری

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مساله

از گذشته‌های دور محلات مسکونی در شهرها، به عنوان سلول‌های حیات شهری دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان آنها بوده‌اند. با توجه به اینکه در گذشته محلات شهری، مکانهایی برای گرد آمدن افراد با ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و ... مشترک بوده‌اند، به دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته شده‌ای می‌بود که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید. همین عامل در آن محدوده سبب ایجاد فضاهایی با کارکرد و عملکردهای خاص می‌شد که بافت آن را نیز از محدوده‌های اطراف متمایز می‌گرداند. وجود یک شیوه زندگی خاص در میان افراد ساکن در یک محله معمولاً به ایجاد اهداف و علایق مشترک در میان ساکنان یک محله، می‌انجامد. در چند دهه اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه زندگی در ساختار محلات نیز تغییرات اساسی ایجاد گردیده است.

امروزه شاهد به وجود آمدن محله‌هایی هستیم که غیر از تفاوت در اسمشان، هیچ ویژگی متمایز دیگری نسبت به هم ندارند. این سیر نادرست و حرکت‌های معیوب آن چنان وضعی را به وجود آورده است که در بافت‌های جدید شهری، ویژگی سنتی محله از بین رفته و ارزش‌هایی، همچون روابط همسایگی، آرامش و ... همگی رنگ باخته و حتی در بعضی موارد، اسم‌های جدید مانند فاز، بلوک و ... جای اسم محله را به خود گرفته است

نتایج حاصل از پژوهشی که توسط هودسنی (۱۳۸۴) انجام گرفته است، نیز بیانگر آن است که گسست موجود در ساختار فضایی محلات امروز و از بین رفتن هویت کالبدی محدوده سبب از بین رفتن ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان و کاهش ارتباطات و تعاملات میان مردم گردیده است. همچنین وی نشان داده است که ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی در قالب گروه‌ها و اجتماعات محلی موجب زمینه و بستر لازم برای برقراری ارتباط میان ساکنان در محلات شهری می‌گردد.

بنابراین، اهمیت بحث هویت مکان از آنجا ناشی می‌شود که انسان با عدم ادراک خود و رابطه‌اش با جهان پیرامون دچار هراس می‌شود. تعلق خاطر در این میان، ملجا و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق‌رهایی بخشد. انسان نیاز دارد. هر چه بیشتر فضای زندگی خود را مخاطب قرار دهد و با آن در تعاملی سهل قرار گیرد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۴۷). بنا بر نظر زیمل، روند تاریخ جدید، آزادی فزاینده فرد را از بندهای وابستگی شدید اجتماعی و شخصی نشان می‌دهد؛ ضمن آنکه فرآورده‌های فرهنگی ساخته انسان، بیش از پیش بر انسان چیرگی می‌یابند. او استدلال می‌کند که در جوامع پیشین انسان نوعاً در رشته محدودی از حلقه‌های اجتماعی به نسبت کوچک زندگی می‌کرد. چنین حلقه‌هایی از گروه‌های خویشاوندی و اصناف گرفته تا شهر و دهکده، راه‌های گریز فرد را می‌بستند و او را به شدت در قبضه خودشان می‌گرفتند، به طوری که کل شخصیت فرد در این زندگی گروهی تحلیل رفته بود، اما اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین تفاوت بنیادی دارد. یک فرد، عضو بسیاری از حلقه‌های به خوبی

۱-۲- اهمیت و ضرورت

برجسته ترین اهمیت این پژوهش به زعم محقق، طرح مفهوم «هویت محلاتی» در حیطه علوم اجتماعی است که می تواند به مثابه الگویی برای حل معضلات و مشکلات هویتی در بافت محلات که آسیب ها و مشکلات انسانی و اجتماعی جدی به دنبال داشته است، مطرح شود.

هویت و یا به عبارتی چیستی و ماهیت امور، به یکی از مهمترین و اساسی ترین مسائل حوزه های مختلف فرهنگ، و زندگی مردم در جوامع جدید، به ویژه در کشورهایمانند کشور ما در دوران اخیر تبدیل شده است. در برابر جریان امواج فرهنگی از سوی کشورهای قدرتمند صنعتی و اقتصادی، دخالت عقلانی و صنعتی انسان در محیط، موضوع باز شناسی هویت و احیای آن در نواحی شهری به ضرورت مهمی در سیاستگذاری های شهری و تعیین ساختار فرهنگی در شهر های بزرگ و کوچک تبدیل شده است. به نظر می رسد با توجه به ظهور اشکال مختلف از منبع هویت اجتماعی و فرهنگی در مناطق شهری و آثار و نتایج منفی آن در کارکرد عناصر اجتماعی و روانشناسی در شهر ها، لازم است این مساله، بویژه در ارتباط با فضای جغرافیایی و مکانی بیشتر بررسی گردد. در قرن بیستم، شهر ها و فضاهای شهری در مسیر تحول و فرآیند رشد و شکل گیری نوین خود و به تبع تحولات و جریانهای ناشی از اندیشه جهانی شدن پدیده ها، دستخوش تغییرات و دگرگونی های شگرفی گردیدند. در این روند رابطه گذشته و کنونی فضاهای شهری از هم گسیخته شده و در ارتباط معنی

مشخص است، اما هیچ یک از این حلقه ها تمام شخصیت او را در بر نمی گیرد و بر او نظارت تام ندارد (یوسفی به نقل از کوزر، ۱۳۸۳: ۳۸).

بنابراین، به نظر می رسد انسانی که در جامعه نوین می زید، دارای هویت های چندگانه است و به خوبی باید شناخته شود. بنابراین، برای بازیابی هویت محله ای در کلانشهرهای امروز، نیاز به اجرای فرایندی است که تحقق آن در درازمدت متصور است و مستلزم همکاری و تشریک مساعی گروههای مختلف علمی ف حرفه ای در ابعاد مختلف شناخت شناسی انسان است. امکان هویت بخشی به محلات از مقوله های مهم در مباحث امروزی علوم اجتماعی است، اما به نظر می رسد مساله اصلی در طراحی فضاهای امروزی، خلا شناختی جامعه شناسانه و روانشناسانه از نیازهای پیچیده فردی و اجتماعی انسان امروز نسبت به محل سکونتش است. طراحان و برنامه ریزان شهری برای ارائه فضاهایی پاسخده نیاز به شناخت دقیق از ابعاد اجتماعی زندگی انسان شهر نشین امروز در مراحل مختلف رشد دارند، که خلا این پژوهش ها در مطالعات جامعه شناسانه به منظور هویت بخشی به کلانشهرهای امروزی به خوبی مشهود است. به این منظور پژوهشگر در این پژوهش، ارتباط میان سه متغیر خوانایی، درهم تنیدگی و نفوذ پذیری را با هویت افراد در دو شکل متفاوت بافت محله مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد، تا به سؤال اصلی این تحقیق؛ یعنی "تاثیر شکل بافت محلات بر هویت اجتماعی افراد (با تاکید بر هویت محله ای) چگونه است؟" پاسخ گفته شود.

- ارائه راهکارها و پیشنهادهایی در جهت بهبود بافت محلات در شهر و هویت بخشی به محلات.

۱-۴- سؤال‌ها و فرضیه‌ها

فرضیه اصلی

- سطح بافت محلات^۱ بر هویت اجتماعی (محلّه-ای) تاثیر دارد.

- فرضیات فرعی

- سطح درهم تنیدگی^۲ یافت بر هویت اجتماعی (محلّه‌ای) تاثیر دارد.

- سطح نفوذ پذیری^۳ بافت بر هویت اجتماعی (محلّه‌ای) تاثیر دارد.

- سطح خوانایی^۴ بافت بر هویت اجتماعی (محلّه-ای) تاثیر دارد.

۱-۵- روش تحقیق

در این پژوهش برای سنجش وضعیت هویت محلّه ای افراد و ترسیم رابطه آن با شکل بافت محلّه از روش پیمایش استفاده شده است. به طور خاص، می توان این تحقیق را نوعی پیمایش تطبیقی^۵ دانست، چرا که

- 1- Neighborhood Texture
- 2- Spinality
- 3- Permeability
- 4- Egibility

وجود گذشته تاریخی و قدمت طولانی و بافت قدیمی در محلّه عباس آباد نسبت به محلّه جدید مرداوچ با شبکه شطرنجی و کالبد امروزی آن، در ابتدا پژوهشگر را بر این فرض قرار داده بود که به محلّه عباس آباد در نقش گروه کنترل نگاه کند و محلّه مرداوچ را به عنوان گروه آزمایش در نظر گیرد، اما نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که انتظارات و پیش فرض ها در مورد محلّه عباس آباد تایید نشد و میزان هویت محلّه ای در هر دو محلّه در سطح متوسط و کم قرار گرفت. به همین دلیل، نمی توان این مطالعه را یک مطالعه آزمایشی نامید، بلکه مناسبت این است که این تحقیق را یک پیمایش تطبیقی دانست.

میان انسان و محیط و زندگی او فاصله و شکاف بزرگی را موجب گردیده است. شکاف موجود مقدمه جدایی مکانی و شکل گیری فضای اجتماعی عاری از پیوستگی های اجتماعی را تشدید نموده است. ازاین رو، بررسی همگرایی میان هویت اجتماعی و حس تعلق ساکنان به محلات امری ضروری است که در این پژوهش تلاش می شود بررسی و تجزیه و تحلیل گردد.

۱-۳- اهداف

اهداف شناختی (اصلی)

بررسی تاثیر چگونگی شکل بافت محلات بر هویت افراد ساکن در محلّه، به منظور ادراک و رابطه انسان با محیط فیزیکی پیرامونش و بررسی اثرات آن بر هویت اجتماعی افراد.

اهداف شناختی (فرعی)

- کند و کاو در دو مفهوم بافت محلات و هویت اجتماعی (محلّه‌ای) و بررسی رابطه میان این دو؛
- سنجش متغیرهای اصلی این پژوهش؛ اعم از خوانایی، نفوذ پذیری، درهم تنیدگی و احساس هویت مندی محلّه ای به صورت مقایسه بین دو محلّه عباس آباد و مرداوچ؛
- بررسی نوع و شدت رابطه میان معماری محلات و ایجاد حس هویت در انسانها؛
- شناسایی وضعیت هویت محلّه ای افراد در دو جامعه آماری مورد مطالعه.

هدف کاربردی

به منظور برآورد حجم بهینه نمونه برای محاسبه پارامترهای مورد نظر تعریف شده در فرضیه های تحقیق پس از انجام یک مطالعه مقدماتی و برآورد پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه، در نهایت مقادیر $0/4$ و $0/6$ برای q, p در نظر گرفته شد. همچنین سطح اطمینان برابر با 95% ($Z=1/96$) تعریف گردید. مقدار D یا دامنه خطای برآورد پارامترها برابر با $0/06$ در نظر گرفته شد. به این ترتیب، حجم نمونه بهینه برای جامعه آماری 17532 نفری برابر 256 محاسبه گردید. به منظور فراهم کردن امکان مقایسه نتایج در دو محله مورد مطالعه، حجم نمونه برای هر یک از محله ها برابر با پژوهشگران و همچنین با مراجعه به نظر استاد راهنما و مشاوران اعتبار ظاهری پرسشنامه اطمینان حاصل کردیم. برای تهیه پرسشنامه، پس از تعریف تئوریک مفاهیم برای متغیرهای مستقل و وابسته شاخص سازی شده جامعه آماری هر یک از محلات توزیع گردید. ضریب اسپیرمن بروان (s) و آلفای کرونباخ تعدادی از گویه های متغیر وابسته و متغیر مستقل به شرح زیر است:

این مطالعه دارای دو جامعه آماری مجزاست که نتایج هر پیمایش با دیگری مقایسه می شود. جامعه آماری مورد مطالعه در تحقیق حاضر، تعداد کلیه واحد های مسکونی واقع شده در هر یک از محلات عباس آباد و مرداوین واقع در شهر اصفهان است. افراد مورد سنجش قرار گرفته برای این پژوهش نیز کلیه افراد بالای 20 سال در هر یک از این دو محله هستند. نمونه گیری به روش تصادفی منظم بوده است که بر اساس بلوک های اصلی Major Block و خرده بلوک های Sub Block موجود در هر یک از این دو محله صورت گرفت. با توجه به اینکه تعداد واحد های مسکونی در بلوک اصلی و خرده بلوک ها در اختیار پژوهشگر قرار نگیرد، بدین منظور با کمک پلان اصلی و نقشه های نظام ارتفاعی تهیه شده از هر یک از این محلات، تعداد تقریبی واحد ها مسکونی در این بلوک ها توسط پژوهشگر محاسبه گردید. سپس با توجه به مقادیر به دست آمده، نسبت $\frac{N}{n}$ در هر بلوک محاسبه و تعداد 130 پرسشنامه در هر یک از محلات به طور متناسب توزیع گردید.

جدول شماره ۱- محاسبه ضریب قابلیت اعتماد برای ابعاد فرعی بافت محلات و هویت محله ای

متغیر مورد سنجش	تعداد آیتم	ضریب قابلیت اعتماد	پاسخ ها	مقدار ضریب
احساس امنیت	۸	اسپیرمن بروان	خیلی زیاد تا اصلا	۰/۷۹
میزان ارتباط نزدیکی با همسایگان (احساس امنیت)	۴	آلفای کرونباخ	خیلی زیاد تا اصلا	۰/۷۱
حس تعلق به مکان	۹	اسپیرمن بروان	خیلی زیاد تا اصلا	۰/۸۰
برقراری نسبت قابل ادراک میان نقش و زمینه (خوانایی)	۲	اسپیرمن بروان	خیلی زیاد تا اصلا	۰/۷۷
وجود قانونمندی های کالبدی حاکم بر محله (درهم تنیدگی)	۴	اسپیرمن بروان	خیلی زیاد تا اصلا	۰/۶۷
تعاملات اجتماعی	۱۵	اسپیرمن بروان	خیلی زیاد تا اصلا	۰/۷۶

منبع (پژوهشگر)

۶-۱- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

- متغیر مستقل: متغیر مستقل این پژوهش عبارت است از "بافت محلات".

- متغیر وابسته: متغیرهای وابسته این پژوهش عبارتند از: هویت اجتماعی با تاکید بر هویت محله‌ای. متغیر مستقل این پژوهش؛ یعنی بافت محلات با سه بعد خانوایی، درهم تنیدگی و نفوذ پذیری تعریف شد. و متغیر وابسته؛ هویت محله‌ای با سه شاخص تعاملات اجتماعی، احساس امنیت و حس تعلق به مکان مورد سنجش و بررسی گردید.

۷-۱- محدوده و قلمرو پژوهش

محدوده مورد تعریف برای هر یک از این دو محله در پژوهش حاضر، بنا به مشورت با مهندسان مشاور هر یک از مناطق ۳ و ۶ شهر اصفهان به قرار زیر است: عباس آباد، از شمال: کوچه شاهزاده ابراهیم / از جنوب: خیابان مطهری / از شرق: خیابان چهارباغ عباسی / و از غرب: خیابان اردیبهشت. مرداوینج، از شمال: خیابان سعادت آباد / از جنوب: شرکت آب و فاضلاب / از غرب: خیابان هزارجریب / و از شرق: خیابان کارگر.

۲- مفاهیم، دیدگاهها و پیشینه نظری و تجربی

۱-۲- تعاریف و مفاهیم

۱-۱-۲- هویت محله‌ای و ابعاد آن

نظر به اینکه عنوان دقیق این پژوهش تاثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی با تاکید بر هویت محله‌ای است، ابتدا به تعریف مفاهیمی، چون هویت، هویت اجتماعی و هویت فردی پرداخته می‌شود و سپس

متغیر وابسته اصلی پژوهش، هویت محله‌ای که یکی از ابعاد هویت اجتماعی است، تعریف می‌گردد.
۲-۱-۲- هویت

ساروخانی در دایره المعارف علوم اجتماعی ذیل واژه هویت چنین آورده است: کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویش است؛ در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است. بدینسان به نظر گافمن، فرد بین من در شرایط موجود و من واقعی قرار دارد (ساروخانی، به نقل از گافمن، ۱۳۷۰، ۴۲۳). افروغ (۱۳۸۰) هویت را مفهومی پارادوکسیکال تعریف می‌کند. او معتقد است همین مساله باعث می‌شود که ما می‌توانیم تعریفی جامع و مانع از هویت به دست دهیم. او در زمینه پارادوکس‌هایی که در مفهوم هویت وجود دارد به سه پارادوکس اشاره می‌کند که به ترتیب زیر است:

- هویت به طور همزمان حامل عنصری ایستا و عنصری پویاست.

از یک سو، بیانگر استمرار و تداوم تاریخی است و از سوی دیگر، به دلیل فرایندی بودن آن دایم در معرض باز تولید و باز تعریف است.

- وجود هویت‌های مضاعف، همچون، هویت قومی، هویت دینی، هویت زبانی، هویت ملی، هویت جنسیتی و هویت مربوط به گروه‌های شغلی که یک فرد همزمان با خودبه دنبال دارد، در دل این مفهوم.

- چون هویت بار دار احساس و ارزش است، با رفتار عقلانی تباین پیدا می‌کند. رفتار عقلانی نیز مستلزم بر آورد سودهزینه است، اما هویت در واقع بار دار حفظ سنت است (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۵).

۲-۱-۳- هویت اجتماعی (هویت از دیدگاه جامعه شناسان)

در جامعه شناسی مقوله هویت، به عنوان یکی از مهمترین ویژگی ها و خصوصیات افراد و گروه های اجتماعی از جایگاه با اهمیتی برخوردار است و دیدگاهها و نظریات مختلفی در مورد آن ارائه شده است که به ذکر این تعاریف خواهیم پرداخت. تعاریف ارائه شده از مفهوم هویت اجتماعی بر اساس دو نظریه از اولین آراء، نظریه پردازان هویت اجتماعی قابل بندی است. اولین نظریه پرداز در حیطه هویت اجتماعی تاجفل (۱۹۸۱) است. به اعتقاد وی، هویت اجتماعی به وسیله گروهی که به آن تعلق دارد، تعیین می شود.

این هویت تابعی از ویژگی های فرهنگی آن گروه است و مبتنی بر تغییر درون گروه برون گروه است تعاریف مربوط به جنکیز، دورکیم، گراهام و جی دان در این مقوله دسته بندی می شود.

جنکیز (۱۳۸۱) هویت اجتماعی را شیوه هایی می داند که به واسطه آن افراد و جماعت ها روابط اجتماعی خود را از افراد و جماعت های دیگر متمایز می سازند. دورکیم نیز معادل با واژه هویت اجتماعی به تعریف مفهوم وجدان جمعی پرداخته است. او وجدان جمعی را مجموعه باورها و احساسات مشترک در بین حد وسط اعضای یک جامعه تعریف می کند (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۶). گراهام هویت اجتماعی را بر مبنای تفاوت های برون گروهی و شباهت های بین گروهی تعریف می کند (Graham, 1998: 1-2) و سرانجام جی دان (۱۳۸۵) شکل گیری هویت اجتماعی را درون تفاوت ها جستجو می کند که به مناسبت رابطه خود و دیگری به وجود آمده است.

دومین نظریه پرداز پس از تاجفل در حیطه مفهوم هویت اجتماعی، جرج هربرت مید، از دانشمندان مکتب کنش مقابل نمادین است. وی کوشیده است تا از طریق تمایز قایل شدن میان « من » و « خودم » نظریاتش را در مورد بنیاد اجتماعی خود روشن سازد به نظر او، خود همان قسمت از وجود فرد است که از دیدگاه دیگران مهم یا کل اجتماع پنداشته و دریافت می شود. این جنبه از فرد، قوانین، اخلاقیات و آداب و چشمداشت های سازمان نیافته اجتماع را منعکس می سازد، اما در مقابل من، همان واکنشی است که یک فرد در برابر رویکرد های دیگران نسبت به رویکرد خودش و در هنگام برخورد با آنها نشان می دهد. او هویت اجتماعی را تعامل میان نگرش های فردی و نگرش های سازمان یافته اجتماعی و گروهی تعریف می کند.

تعاریف مربوط به افروغ، محسنی و دوران، گل محمدی، فاتحی، بهزاد فر، اختر شهر، نورآبادی، جوانا و این، راب وایت، سازوخانی و رفعت جاه نیز در این مقوله جای می گیرند.

افروغ (۱۳۷۷) هویت جمعی را تلاشی می داند که جمعی از انسانها به منظور تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی خود بروز می دهند.

محسنی و دوران (۱۳۸۲) هویت اجتماعی را پیوستاری شخصی - گروهی تعریف می کند که شخص و اجتماع در دو قطب این پیوستار قرار دارند. گل محمدی (۱۳۸۱) هویت اجتماعی را چپستی و کیستی افراد در رابطه با دیگران تعریف می کند. از نظر بهزاد فر (۱۳۸۶) هویت اجتماعی؛ یعنی رعایت آداب و رسوم اجتماعی، راه و رسم ادب و نزاکت، شیوه لباس پوشیدن شایسته و ... تا بدین وسیله شخص خود را با

شیوه‌های مرسوم اجتماعی که در آن زیست می‌کند، تطابق دهد.

اختر شهر (۱۳۸۶) و نصرآبادی (۱۳۸۳) هویت اجتماعی را قسمتی از حیات اجتماعی می‌دانند که فرد با ضمیر ما خود را متعلق به آن می‌داند و در مقابل آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. فرد در جامعه با دیگران تعمیم یافته، هویت خود را کسب می‌کند. جوانا و این و راب وایت، این دو مراحل شکل‌گیری هویت اجتماعی را حاصل تجربه‌های فرد در زندگی، محل و مکان، خانواده و منابع اجتماعی فرد تعریف می‌کنند (نصر آبادی، ۱۳۸۳: ۱۱). ساروخانی و رفعت‌جاء (۱۳۸۳) هویت اجتماعی را تعریفی می‌دانند که فرد از خودش بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی می‌کند.

۲-۱-۴- هویت فردی

از نظر پردازانی که بیش از دیگران به فرد‌گرایی در تعریف مفهوم هویت نزدیک شده است، گیدنز است. او هویت فردی را بازتابی از خود آگاهی شخصی به خود تعریف می‌کند. به عقیده او، هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد. هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. او معتقد است هویت هر شخص را نباید در رفتار او درواکنش‌های دیگران جست و جو کرد، بلکه باید آن را در توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت شخصی از زندگی اش یافت (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۳)

گافمن (۱۳۸۶) نیز هویت فردی را از معنای ذهنی فرد نسبت به موقعیت خود و انسجام خود و شخصیتی که در نتیجه تجارب اجتماعی مختلف به دست می‌آورد، تعریف می‌کند (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۸۵).

۲-۱-۵- رویکرد معمارانه و شهر سازانه به هویت

- هویت شهری

بهزاد فر (۱۳۸۶) معتقد است برای شناخت هویت یک شهر باید مولفه‌های سازنده شخصیت آن شهر را شناخت. او مولفه‌های سازنده هویت شهر را به دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی تقسیم می‌کند. این دو بعد می‌تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی از همدیگر تفکیک گردد. او اجزای متغیرهای چون کوه، دشت، رود، تپه و... را بر می‌شمرد و اجزای مولفه‌های مصنوعی را نیز از متغیرهایی چون تک بناها، بلوک شهری، محله، راه، خیابان، میدان و نظیر آن می‌داند. اجزای مولفه‌های انسانی رانیز شامل متغیرهای، زبان، دین، آداب و رسوم، اعتقادات محلی و... ذکر می‌کند (بهزاد فر، ۱۳۸۶: ۴-۵۵).

پیران (۱۳۸۴)، مفهوم هویت را مانند بسیاری از مفاهیم فلسفی و اجتماعی و انسانی، مفهومی انتزاعی و سهل و ممتنع می‌داند و از سویی دیگر، در حال شدن دایمی. لذا به اعتقاد او، همواره باید برای بیان این مفهوم از طیفی یاد کرد که در یک سوی آن هویت درنازترین معنا؛ یعنی نام‌شئی یا انسان و در سوی دیگر طیف، معنای بی پایان هویت قرار دارد و تمامی بحث‌های هویت، صرف نظر از پسوند‌ها و پیشوند‌ها بی که بدان افزوده می‌شود بر روی این طیف قرار دارند. او ابعاد هویت شهری را این گونه بر می‌شمرد: تاریخیت، مکانیت، جمعیت، بودن، تعلق به

در تعریفی دیگر، هویت مکان، بخشی از هویت شخصی تعریف می شود. هویت مکان بر اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می یابد. بنابراین، بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. رابطه میان انسان و مکان دو طرفه است، زیرا کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مرتبط می سازد (walmsley 1990:64)

افروغ نیز سیمای فیزیکی فعالیت و معنا را مواد خام هویت مکانی بیان می کند که دیالکتیک میان این سه روابط ساختاری این هویت را می سازد. به اعتقاد او انسان با معنایی که به دو مولفه دیگر هویت مکان؛ یعنی کالبد و جسم فیزیکی و فعالیت هایی که در این کالبد رخ می دهد، می بخشد، هویت مکانی ویژه ای را برای هر مکان تعریف می کند (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۲ - ۵۳)

پیران نیز، منبع هویت مکان را در ذهن فردی و جمعی معرفی می کند و از آن این چنین نتیجه می گیرد که هویت مکان و فضا در همین فرهنگ تولید و تحدید می شود (زادرفیعی، ۴۸: ۱۱). نوربرگ شولتز نیز دامنه وسیعتری برای این همانی با فضا (احساس هویت‌مندی مکان) قایل است. وی این همانی را متناظر با الفست یافتن با یک محیط خاص می داند (Abel,2000:142).

هویت محله ای را، احساس تعلق به یک محله مسکونی نیز تعریف می کنند (Foth,2004:8-9). قاسمی (۱۳۸۳)، توقعات موضوعی از مکان سکونت را برای هویت بخشی به محله ای مسکونی، حس آسایش، امنیت، آرامش، خود مانی بودن، دنجی، حس تعلق به مکان و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی میان ساکنان بر می شمرد که از میان ابعاد اشاره شده

دوره ای خاص از تاریخ، متن روابط اجتماعی، عام و خاص بودن، احساس تعلق فردی، خانوادگی، گروهی، قبیله ای، مکانی (شهری، روستایی ملی، محلی) وابسته به رویدادهای فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی و دگرگونی های جامعه حقوقی و وظایف شهروندی (پیران، ۱۳۸۴: ۷).

- هویت محله ای

پاکزاد، بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می سازد، مکانی می داند که خود را با آن می شناسد و به دیگران می شناساند. او معتقد است انسان هنگامی که درباره خود فکر می کند، خود را متصل به مکانی می داند که در آن زیست می کند و آن مکان را بخشی از خود می شمارد، میان فرد و زندگی اش رابطه ای عمیق وجود دارد که پاکزاد از این رابطه با به خود همانی با فضا تعبیر می کند (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۴).

قاسمی، هویت را جزو ویژگی های یک پدیده نمی داند، بلکه آن را حاصل توافقی میان فرد و پدیده مورد ارزیابی تعریف می کند بر این مبنا، هویت مفهومی نسبی است که یک سر آن به انسان بر می گردد و سر دیگرش در محیط تعریف می شود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰).

او شرایط هویت‌مندی یک محله را به این ترتیب بر می شمرد:

تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی شان؛
خاطره ای که در ذهن ساکنان از محله بر جای مانده است؛
خاطرات جمعی که در حافظه جمعی ساکنان از محله بر جای مانده است. او نسل بی خاطره را نسلی بی ریشه می داند؛ حس تعلق خاطر افراد به محله خودشان.

در بالا در پژوهش حاضر، سه بعد امنیت، حس تعلق به مکان و تعاملات اجتماعی بررسی می‌گردند.

-بافت محله‌ای و ابعاد آن

راجرکاز^۶ ذیل تعریف محله در دایره المعارف خود این گونه نوشته است:

محله تعریف مورد توافق دقیقی ندارد. این کلمه هم بر حالت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند، اشاره دارد و در اصطلاحی عمومی، به عنوان مترادفی برای جامعه به کار می‌رود، اما در حقیقت این مفهوم مترادف جامعه محسوب نمی‌شود؛ محله در تعریف جغرافیایی خود به مجموعه‌ای از شهر اطلاق می‌شود که شهروندان (همسایگان)، در آداب و رسوم که در آن موقعیت جغرافیایی به صورت عمومی وجود دارد، با هم شریک هستند و اگر چه ممکن است میان آنها اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد (W. cause, 2005:329).

روبرت کون^۷ نیز در دایره المعارف شهر^۸ خود محله را این گونه توصیف نموده است:

منطقه یا موقعیت؛ منطقه‌ای در اطراف مکانی یا چیزی؛ بخش قابل تفکیکی از یک منطقه شهری منطقه‌ای مرکب از کاربری‌های مختلف که به صورت ساختار شهری به حالت یکپارچه در آمده است

(Cowan 2005:256-257)

به اعتقاد توسلی، محله یک اجتماع کوچک طبیعی است که برای برقرار شدن روابط اجتماعی، محیط بسیار مساعدی را به وجود آورده است. خصوصیات هر محله بر حسب سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کم و بیش صورت و شکل دقیقی به خود

می‌گیرد. به اعتقاد او، قدرت هر محله تابع تجانس اجتماعی ساکنان آن است. همسانی و شباهت در نوع زندگی موجب شناسایی متقابل افراد و احساس تعلق به گروه معینی می‌گردد (توسلی، ۱۳۷۸: ۱۱۱-۱۱۲) رابرت پارک (۱۹۲۶)، یک محله را به عنوان یک شبکه اجتماعی تعریف می‌کند. به اعتقاد او، محله یک هویت اجتماعی مکانی است؛ قلمروی که دارای محدودیت‌های مشخص شناخته شده توسط ساکنان آن است. در چنین قلمروی تقابل رسمی و شناخت همسایگی رخ می‌دهد، کاربری روزانه خدمات محله توسط ساکنان و آگاهی آنان در مورد تصویر محله به عنوان بخشی از هویت اجتماعی آنها نیز به وابستگی میان مکان و فضا اشاره دارد. محلات همچنین بر شرایط گوناگون اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و بوم‌شناختی تأثیر دارد (Louis, 1989:316).

اینگلهارد^۹ محله را شامل: مدرسه ابتدایی، یک مرکز خرید کوچک و یک زمین بازی می‌داند این تسهیلات نزدیک مرکز محله به گونه‌ای ساخته شده‌اند که ساخت پیاده‌رو بین آنها و خانه از نیم مایل تجاوز نمی‌کند. بخش‌های تشکیل دهنده این جامعه حالت یکپارچه دارند و همچنین می‌توانند هر آنچه را که از نظر ارتباطات و کار نیاز دارند، بر آورده سازند (Neal, 2003:282-285)

لینچ خصوصیات معقول و موجه یک محله‌ی با هویت را اینچنین برمی‌شمرد:

محله‌ای با خیابان‌های آرام و ایمن و خدمات روزانه که به راحتی و سهولت در دسترس قرار گیرد و چنانچه ضرورت احساس شود، بتوان شکل‌های سیاسی به وجود آورد. مناطق مسکونی دارای هویت

1-Roger w.cause

2-Robert cown

داده است که شبکه های شطرنجی و یکنواخت کمترین خوانایی را دارند. اطمینان خاطر که شهروند از خوانایی شهر خود به دست می آورد، نه فقط تبعات روانی، بلکه حتی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۵۲)

لینچ پنج عامل خوانایی را که می توان به وسیله آنها تصویری روشن از خوانایی در شهر به وجود آورد، به « راه »، « لبه »، « نشانه »، « گره » و « محله » تقسیم می کند (به نقل از لینچ، ۱۳۸۱: ۱۵-۲۲) در تعریف بهزاد فر، خوانایی در دو سطح اهمیت پیدا می کند؛ فرم کالبدی والگوهای فعالیت. مکان ها ممکن است در یکی از این دو سطح خوانا و قابل فهم باشند. باید آگاهی از فرم کالبدی والگوهای فعالیت به تکمیل یکدیگر پردازند (بهزاد فر، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

- نفوذ پذیری

بهزادفر، نفوذ پذیری را قابل دسترسی بودن فضا و حدی از انتخاب که یک محیط به مردم می دهد، تا بدان طریق از مکانی به مکان دیگر بروند، تعریف می کند. نفوذ پذیری هر نظامی از فضاهای همگانی به تعداد راههای بالقوه ای که برای عبور از نقطه ای به نقطه ای دیگر در نظر گرفته شده است، بستگی دارد. او نفوذ پذیری را شامل دو جنبه نفوذ پذیری کالبدی و نفوذ پذیری بصری می داند (به نقل از بتتلی ای، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶).

قاسمی شرایط نفوذ پذیری یک محله را به ترتیب زیر بر می شمرد:

وجود عوامل پیوند دهنده محله و محیط اطراف؛ بسته نبودن محله؛ آزادی حرکت و فعالیت در محله؛ نفوذ فضاهای خالی عمومی میان دانه های محله؛ امکان

نیز به افراد این امکان را می دهد که برای بهبود اطراف خود مشارکت نمایند (به نقل از لینچ، ۱۳۸۴: ۳۲۴-۳۲۵).

- بعاد بافت محلات

برای داشتن یک « محله مسکونی خوب » لازم است در بدو امر بافت موجود از حالت خنثای فعلی به حوزه ای در دل شهر تبدیل گردد که بتوان نام محله را به آن اطلاق نمود و توقعاتی که حول این محور شکل می گیرند، از ما می خواهند که به جای بافت های کنونی، حوزه هایی برخوردار از در هم تنیدگی، نفوذ پذیری و خوانایی به عنوان محله داشته باشیم (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

- خوانایی

بنا به تعریف لینچ، غرض از خوانایی این است که به آسانی اجزای شهری را بتوان شناخت و آنها را در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر ارتباط داد؛ درست همان گونه که با دیدار یک صفحه چاپی، اگر خوانا باشد، تصویری از سمبل های شناختی به هم وابسته در ذهن ما نقش می بندد، همان گونه در شهری که واجد سیمایی خوانا باشد، می توان تمام اجزای آن را از یکدیگر باز شناخت و یا تمام آنها را در مجموعه ای به هم پیوسته به تصور در آورد (به نقل از لینچ، ۱۳۸۱: ۱۲).

پاکزاد نیز حرکت در شهر بدون گم گشتگی را، از خواست های اولیه هر شهروندی می داند. به اعتقاد او هر شهروند در هر لحظه می خواهد بداند کجاست و چگونه به مقصد خود خواهد رسید. در طول مسیر چه نقاط شاخصی وجود دارد و چگونه جهت یابی کند تا سردرگم نشود. جوابگویی به توقع خوانایی تبدیل مسیر به خطوطی راست و مستقیم نیست؛ تجربه نشان

رشد و تغییر درون محله (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۲۷ - ۱۲۸).

- درهم تنیدگی

درهم تنیدگی هم معطوف به کالبد محله است و هم شامل روابط میان ساکنان آن می‌شود. برای بر آورده شدن چنین توقعی در درون یک محله باید شرایط زیر رعایت گردد:

- وجود اتصالات قوی درون محله؛ - وجود قانونمندی‌های کالبدی حاکم بر محله؛ - بها دادن به فضاهای خالی در محله؛ - پیوند قوی میان محله با بستر آن؛ - وجود همبستگی میان استفاده کنندگان از محله (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۱۶).

۲-۲- پیشینه نظری

مباحث نظری مربوط به هویت محله‌ای

شناخت هویت اجتماعی در محله‌های شهری در ارتباط با هویت شهری قرار دارد. آسیب شناسی هویت اجتماعی در شهر ها با ظهور کلانشهرهای مدرن حتی در میان کشورهای توسعه یافته غربی نیز انبوهی از نظریه ها و دیدگاههای نظری و کاربردی را به همراه داشته است .

هویت مکانی چیزی جز تعلق همه جانبه اجتماعی روانی و فرهنگی به مکان جغرافیایی زیست و کار تعریف نمی گردد.

اهمیت مکان در هویت فرد آن چنان است که وقتی افراد محل سکونت خود را تغییر داده و یا به طریقی از دست می دهند، تا مدتها دچار سردرگمی و از خود بیگانگی می‌شوند. این از خود بیگانگی ریشه در گسیختگی بین افراد و مکان ها دارد. در زیر به تعدادی از این نظریات اشاره شده است .

به نظر زیمل در شهر های بزرگ و مخصوصا در کلانشهرها، جمعیت عظیم و متراکم شهر و فشار آن به زندگی انسان، هویت فردی و آزادی او را به خطر می افکند و این امر موجب انزوا و از خود بیگانگی انسان امروز می‌گردد. جرج زیمل معتقد است که در کلان شهر ها گروههای وسیع و متعددی در حال فعالیت و کنش و واکنش هستند، لیکن هدف آنها سود جویی و انگیزه های فردی است . افراد در عین بیگانگی، با خود و با یکدیگر به تعامل می پردازند؛ به طوری که گویی انبوهی از بیگانگان برای نفع شخصی مجبور به تعامل اجتماعی شده اند که این به نوبه خود بیگانگی را دامن می زند و با بزرگتر شدن جامعه بر وسعت آن افزوده می شود . فرد امکان می یابد که ویژگی های شخصیتی و منحصر به فرد خود را تعالی بخشد، اما آزادی او نیز در چنبر حرص و آز نظام عقلانی در شهر ها روز به روز، محدود و محدود تر می گردد و حسابگر، غیر احساساتی، خشک و ماشینی می شود . لذا کلانشهر جایگاه پدید آمدن برخورد تناقض آلود آزادی و با خود بیگانگی انسان است (توسلی، ۱۳۷۸: ۸۱-۸۲) .

ماکس وبر (۱۹۲۰) به مساله بحران عقلانیت در شهر های جدید غربی اشاره می کند. وی تفوق یافتن عمل اجتماعی مبتنی بر عقلانیت معطوف به غایت را در مقابل عمل اجتماعی معطوف به ارزش یا عمل صرفا عاطفی یا صرفا سنتی را از جمله نشانه هایی می داند که برای درک شهر نشینی جدید یا تمدن سرمایه داری صنعتی موجود در شهر های بزرگ امروز به کار گرفته می شوند . بنابراین، رویکرد جامعه شناختی وبر نسبت به شهر نشینی بر محور اصلی عقلانیت یافتگی دیوانسالارانه قرار گرفته است (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۷۴).

لینچ، معیارهای هفتگانه ای را برای محیط زیست خوب شهری و محله ای ذکر می کند :

- قابلیت زیست؛ - قابلیت درک؛ - انطباق خوب فرم بر عملکرد؛ - دسترسی مناسب؛ - قابلیت کنترل و مراقبت و نظارت؛ - کارایی؛ - عدالت؛ لینچ خصوصیات یک محله با هویت را خیابان های آرام و ایمن و خدمات روزانه می داند که به راحتی و سهولت در دسترس قرار گیرد و چنانچه ضرورت نظارت احساس شود، بتوان شکل های سیاسی در آن به وجود آورد (به نقل از لینچ، ۱۳۸۴ : ۳۱۱).

بهزاد فر معتقد است برای شناخت هویت یک شهر باید مولفه های سازنده شخصیت آن شهر را شناخت. او مولفه های شخصیت یک شهر را همانند شخصیت انسانی دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی می داند که می توان از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از همدیگر تفکیک نمود (بهزاد فر، ۱۳۸۶: ۵۷).

پاکزاد بحث حس مکان و ایجاد این همانی با فضا را شامل دو بخش به ظاهر متضاد، ولی درحقیقت مکمل همدیگر تقسیم می کند.

- استقلال و تشخیص فضا از انسان؛ - آشنا بودن فضا برای شخص. به اعتقاد او فرایند این همانی یا احراز هویت در مکان فرایندی قیاسی بین عینیتی موجود با اطلاعات و داده هایی از آن در ذهن (ذهنیت قبلی) است هر فضا با آنکه یک موجود خارجی مستقل است، ولی در فرایند ادراک تبدیل به پدیده ای ذهنی می شود. ما در فرایند این همانی، از این تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره گرفته، عینیت را با آن می سنجیم. لذا تشخیص هویت نوعی ارزش گذاری یا تعیین کیفیت است که ارتباط کامل با

اندوخته های ذهنی فرد، از تجربیات مستقیم گرفته تا فرهنگ و سنت او دارد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

در زمینه موضوع مورد تحقیق، پژوهشی که مستقیماً تمامی محتویات آن را در بر گیرد، بسیار اندک است، اما تحقیقاتی مرتبط با آن انجام گرفته است که به آنها می پردازیم: پایان نامه عبدالهادی دانشپور (۱۳۷۹) با عنوان (باز شناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان) در تهران، نمونه موردی: خیابان انقلاب، رساله برای دریافت درجه دکتری که در رشته شهر سازی در دانشگاه تهران)، مرتبط ترین تحقیق در زمینه موضوع مورد مطالعه ماست. اهداف اصلی این تحقیق به قرار زیر تعیین گردیده است :

- شناخت و درک هویت خیابان و عوامل و خصوصیتی که در ایجاد و احراز هویت آن موثرند، به منظور بهبود کیفیت استفاده کنندگان از خیابان؛
- دستیابی به تعریف عملیاتی و مشخص تری از مفهوم هویت مکان؛

- دستیابی به راهبردهای مناسب در برنامه ریزی و طراحی شهری در جهت حفظ هویت و خلق هویت ؛
- اخذ نتایج کاربردی از داده های گرد آوری شده به منظور شناسایی عناصر هویت بخش و تقویت کننده محیط.

نتایج یافته های تحقیق دانشپور ؛ ضمن اثبات فرضیه های تحقیق، آشکار ساخته که هویت (تشخیص توام با تمایز) امری نسبی و بیشتر از جنس فعالیت و معنی است تا ویژگی.

از میان تحقیقات خارجی، در پژوهشی که با عنوان فضای عمومی در شهر و هویت اجتماعی انجام گرفته است، مفهوم هویت اجتماعی شهری در اماکن شهری نمادین بررسی شده است. بر پایه این پژوهش، یک

دارند (بعد اجتماعی) و مردم این شهر کوچک به یک شیوه یکسان زندگی می کنند (بعد رفتاری). مجموعه عوامل بالا هویت شهری اجتماعی ساکنان پابلنو را تشکیل می دهد (Valera : 1997: 2-18).

۲-۳- چارچوب نظری

آن گونه که در بالا نیز به وضوح مطرح گردید، با دقت در مباحث نظری و اندیشه های صاحب نظران فوق‌الذکر، خصوصا با پذیرش چشم اندازهای نظری در نزد لینچ، پاکزاد و بهزادفر فرضیه اصلی پژوهش را مشتمل بر تاثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی (محله ای) مطرح می نمایم. همچنین، پژوهشگر در طرح فرضیه تاثیر خوانایی بافت محله بر احساس هویت اجتماعی (محله ای) از نظر لینچ سود جسته و در خصوص تاثیر درهم تنیدگی و نفوذ پذیری بر احساس هویت اجتماعی (محله ای) از نظرات قاسمی الهام گرفته است.

مکان شهری نمادین، بخشی از ساختار شهر است که به عنوان یک بخش اجتماعی شناخته می شود. این مکان ها مشخص کننده ابعاد هویتی گروههای ساکن در خود هستند و به اشخاص اجازه می دهند که خود را از سایر گروهها متمایز بدانند. این تحقیق در ناحیه پابلنو در اطراف شهر بارسلونا صورت گرفته است. این ناحیه در سال ۱۸۵۰ بنا شده است و در حال حاضر به دهکده المپیک شهرت یافته است. شاخص هایی از مفهوم هویت اجتماعی شهری که در میان ساکنان این منطقه بررسی گردیدند، به ترتیب زیر بودند: بعد سنتی، بعد اجتماعی، بعد هویتی، بعد رفتاری، بعد ایدئولوژیک و بعد روانشناختی. همچنین بعد روانشناسی اجتماعی به عنوان فاکتور مهمی بررسی گردید.

نتایج تحقیق نشان داد یک احساس هویت اجتماعی قوی در بین ساکنان این منطقه وجود دارد، زیرا مرزهای جغرافیایی این ناحیه مشخص شده است (بعد سنتی) و در میان ساکنان آگاهی نسبت به گذشته مشترک وجود دارد. افراد به یک طبقه کاری تعلق

جدول شماره ۲- رابطه فرضیات متغیرها با چارچوب نظری پذیرفته شده

ملاحظات	نظریه منتخب	فرضیه
فرضیه اصلی	لینچ، بهزادفر، پاکزاد	تاثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی (محله ای)
فرضیه فرعی	لینچ	تاثیر خوانایی بر هویت اجتماعی (محله ای)
فرضیه فرعی	پاکزاد	تاثیر نفوذ پذیری بر هویت اجتماعی (محله ای)
فرضیه فرعی	پاکزاد	تاثیر درهم تنیدگی و هویت اجتماعی (محله ای)

استفاده از رگرسیون خطی تاثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی با تأکید بر هویت محله ای مورد آزمون قرار گرفت.

۳- تجزیه و تحلیل داده ها

پس از گرد آوری داده ها از نرم افزار spss 11.5 برای تجربه و تحلیل داده ها استفاده شد. سپس با

۳-۱- آزمون فرضیه ها

فرضیات پژوهش به صورت جداگانه در هر یک از محلات مرداوینج وعباس آباد بررسی و آزمون قرار شده و نتایج آزمون فرضیات در هر یک از این محلات خلاصه گردیده است.

برای بر آورد ضرایب تاثیر و تحلیل واریانس و بر آورد سطح معنا داری متغیر های مستقل و وابسته در این تحقیق از رگرسیون خطی Linear Regression استفاده گردید.

جدول شماره ۲- آزمون فرضیات

سطح معنی داری	ضریب تعیین Determination coefficiat	تاثیر استاندارد Standardized Beta	فرضیه ها	
۰/۰۰۱۵	۰/۱۲۱	۰/۰۶۷	سطح بافت محلات بر هویت اجتماعی محله ای تاثیر دارد	۰/۰۰۱
۰/۰۰۰		۰/۱۱۵	سطح در هم تنیدگی بافت بر هویت اجتماعی محله ای تاثیر دارد.	
۰/۰۰۲		۰/۱۷	سطح نفوذ پذیری بافت بر هویت اجتماعی محله ای تاثیر دارد	
۰/۲		۰/۰۰۴۹	سطح خوانایی بافت بر هویت اجتماعی محله ای تاثیر دارد.	
۰/۰۰۰	۰/۱۱۹	۰/۰۹۶	سطح بافت محلات بر هویت اجتماعی محله ای تاثیر دارد.	۰/۰۰۱
۰/۰۰۰		۰/۱۰۲	سطح در هم تنیدگی بافت بر هویت اجتماعی محله ای تاثیر دارد.	
۰/۰۳۵		۰/۰۲۲	سطح نفوذ پذیری بافت بر هویت اجتماعی محله ای تاثیر دارد.	
۰/۰۵		۰/۰۱۶۹	سطح خوانایی بافت بر هویت اجتماعی محله ای تاثیر دارد.	

منبع (پژوهشگر)

۳-۲- تحلیل نتایج در محله عباس آباد

بر هویت اجتماعی محله ای تایید می کند. آزمون فرضیه سوم نیز اثر نفوذ پذیری بافت را بر هویت اجتماعی (محله ای) تایید می کند؛ اما آزمون فرضیه چهارم اثر سطح خوانایی بافت را بر هویت اجتماعی محله ای در محله عباس آباد تایید نکرده است.

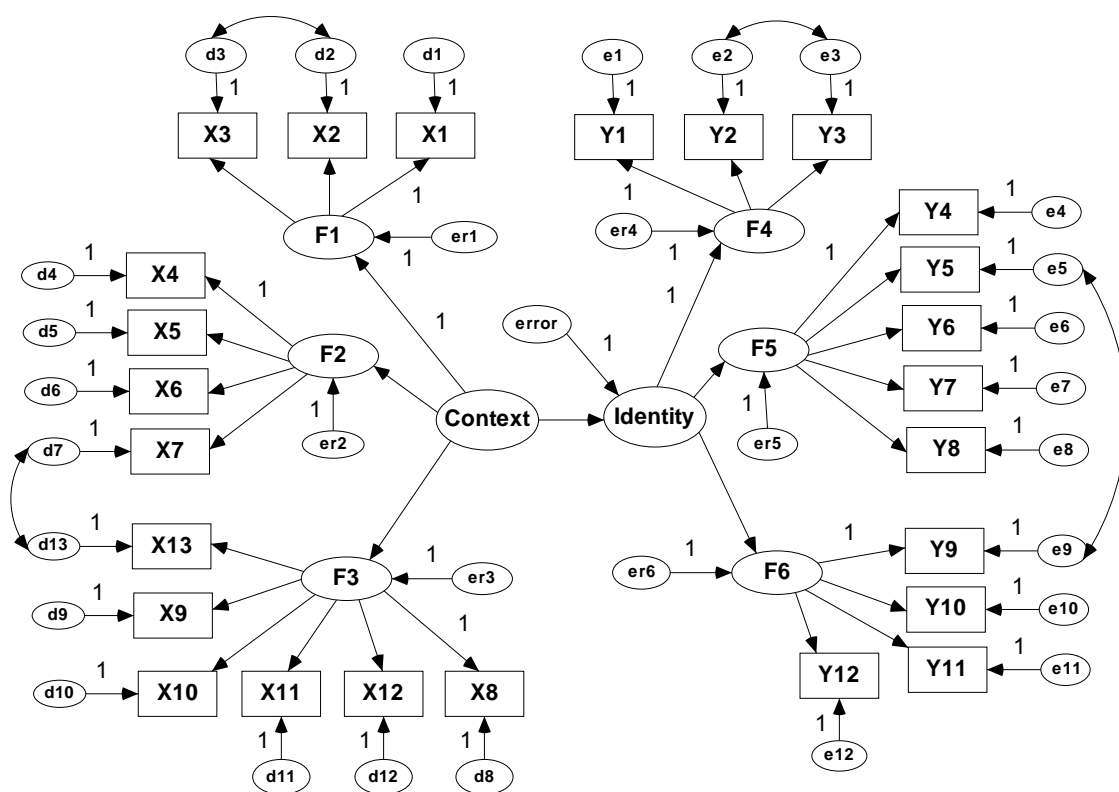
با توجه به جدول آزمون فرضیات، ضریب تاثیر به دست آمده در خصوص سطح تاثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی (محله ای) پاسخگویان، اثر متغیر بافت محلات بر هویت اجتماعی (محله ای) را تایید می کند. آزمون فرضیه دوم اثر در هم تنیدگی بافت را

۳-۳- تحلیل نتایج در محله مردابوچ

با توجه به جدول آزمون فرضیات مربوط به محله مرویچ، آزمون فرضیه اول اثر متغیر بافت محلات بر هویت اجتماعی (محله‌ای) را تایید می‌کند. آزمون فرضیه دوم اثر متغیر در هم تنیدگی را بر هویت اجتماعی محله‌ای تایید می‌کند. آزمون فرضیه سوم نیز بیانگر آن است که سطح نفوذ پذیری بافت بر

هویت اجتماعی محله‌ای اثر دارد و آزمون فرضیه چهارم نیز نشان می‌دهد که سطح خوانایی بافت بر هویت اجتماعی محله‌ای تاثیر دارد.

۳-۴- مدل معادله ساختاری (مدل‌های اندازه‌گیری و مدل معادله ساختاری)



شکل شماره ۱- نمودار مدل نظری تحقیق بر گرفته از چارچوب نظری برای سنجش متغیرهای پنهان و اثر متغیرهای مستقل بر وابسته

عاملی مرتبه اول^۱ برای اندازه‌گیری متغیرهای خوانایی (F1)، نفوذپذیری (F2)، درهم تنیدگی (F3)، احساس امنیت (F4)، حس تعلق به مکان (F5)، تعاملات اجتماعی (F6) و همچنین دو مدل عاملی مرتبه دوم Second-order Factor Model برای

در نمودار شکل (۱) و جدول شماره (۳) و (۴) اطلاعات مربوط به شیوه اندازه‌گیری متغیرهای پنهان و همچنین اثر گذاری متغیر مستقل (بافت محله) بر متغیر وابسته (هویت محله‌ای) ارائه شده است. نمودار (۱) نشان می‌دهد که مدل نظری شامل ۶ مدل

در مدل اندازه گیری، نشان می دهند که کلیات و جزئیات مدل های اندازه گیری (نحوه سنجش متغیر های پنهان) و مدل ساختاری (اثرگذاری بافت محله بر هویت محله ای) تایید می گردد.

سنجش متغیر های پنهان بافت محله (context) و هویت محله ای (identity) است. امکانات ارائه شده در جداول (۳) و (۴) نیز ضمن ارائه جزئیات مربوط به بارهای عاملی محاسبه شده برای هر یک از معرف ها

جدول شماره ۳- نتایج به دست آمده از مدل های اندازه گیری و مدل ساختاری

هویت محله ای → بافت محلات		۴۵۹/	
متغیر	ضریب همبستگی	متغیر	ضریب همبستگی
احساس امنیت → هویت محله ای (F ₄)	۰/۱۱۵	درهم تنیدگی → بافت محله (F ₂)	۰/۶۹۰
حس تعلق به مکان → هویت محله ای (F ₅)	۰/۱۸۲	خوانایی → بافت محله (F ₁)	۰/۲۳۹
تعاملات اجتماعی → هویت محله ای (F ₆)	۰/۳۵۱	نفوذپذیری → بافت محله	۰/۲۴۴

منبع (پژوهشگر)

متغیر حس تعلق به مکان از میان شاخص های تعریف کننده این متغیر داراست. وجود اتصالات قوی درون محله (شاخص تعریف کننده تعاملات اجتماعی) با مقدار ۰/۸۱۹ بیشترین مقدار در میان انواع شاخص های تعاملات اجتماعی و وجود همبستگی میان استفاده کنندگان با مقدار ۰/۹۸۵ دارای بالاترین ضریب همبستگی با متغیر درهم تنیدگی (شاخص تعریف کننده بافت محلات) است. راه نیز با مقدار ۰/۵۶۶ و بهره گیری از فضاهای محله برای انجام فعالیت های موسمی با مقدار ۰/۱۳۳ به ترتیب، بیشترین مقدار ضریب همبستگی را با متغیر خوانایی و بالاترین مقدار این ضریب را با متغیر نفوذ پذیری از میان انواع شاخص های دیگر تعریف کننده ای این متغیرها دارا هستند.

چنانکه در شکل فوق مشاهده می شود، قدرت ضریب تعیین متغیر بافت محلات بر هویت محله ای ۰/۲۱۰ است. با توجه به شکل فوق، از میان سه شاخص تعریف کننده هویت محله ای، تعاملات اجتماعی با مقدار ۰/۳۵۱ بیشترین مقدار ضریب همبستگی را با این متغیر داراست. از میان شاخص های تعریف کننده متغیر بافت محلات نیز، متغیر درهم تنیدگی با مقدار ۰/۶۹۰ بیشترین مقدار همبستگی را با متغیر بافت محلات به خود اختصاص داده است. بستر رفتارهای مجرمانه با ضریب مثبت ۰/۹۴۰ نیز بیشترین مقدار همبستگی با احساس امنیت در محله (از شاخص های هویت محله) را به خود اختصاص داده است. همچنین، پاکیزگی و بهداشت در محله با مقدار ۰/۵۸۶ بیشترین مقدار ضریب همبستگی را با

جدول شماره ۴- نتایج به دست آمده از مدل معادله ساختاری

شکل	تعداد پارامترهای آزاد	مقتصد			تطبیقی			مطلق		
		شاخص برازش مقصد (PCFI)	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	شاخص توکر - لومس (IFI)	شاخص برازش افزایشی (IFI)	کای اسکور نسبی (χ^2/df)	سطح معناداری	درجه آزادی (df)	کای اسکور (%)	شکل
مدل پژوهش	۲۱	۰/۷۸۴	۰/۸۹۱	۰/۸۷۶	۰/۸۹۴	۰/۰۰	۱/۴۵۳	۳۶۴	۳۸۳/۴۷۲	شکل
مدل اشباع شده	۳۲۵	۰/۰۰	۱	۰/۰۰	۱	۰	۰	۰	۰/۰۰	مدل اشباع شده
مدل استقلال	۲۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۶۴۷	۳۰۰	۱۳۹۴/۱۴۲	مدل استقلال
میانگین مربعات باقیمانده RMSEA	۰/۰۵۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	میانگین مربعات باقیمانده RMSEA

شاخص‌های نیکویی برازش مدل؛ یعنی، شاخص برازش تطبیقی با مقدار ۰/۸۹۱ و شاخص برازش امساک یا مقتصد با مقدار ۰/۷۸۴، نیز، حاکی از قابل قبول بودن مدل فوق است ۱۱

از میان شاخص‌های برازش کلی گزارش شده در جدول بالا، مقادیر شاخص‌های بدی برازش؛ یعنی کای اسکور نسبی (χ^2/df) با مقدار ۱/۴۵۳ و RMSEA (ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده) با مقدار ۰/۰۵۹ بیانگر مقدار قابل قبولی برای مدل فوق است.

۱۱ - طبق دیدگاه شوماخر و لومکس (۱۳۸۸) مقدار کاملاً قابل قبول برای RMSEA بین ۰ تا ۰/۸، و برای شاخص‌های تطبیقی ۰/۹ و بالاتر و برای شاخص‌های امساک بالاتر از ۰/۵ می باشد. - شوماخر، ای، رندال و ریچاردجی. لومکس (۱۳۸۸). مقدمه ای بر مدل سازی معادله ساختاری (ترجمه ی وحید قاسمی)، تهران، انتشارات جامعه شناسان

همچنین، مقدار RMSEA (۰/۰۵۹) نشان می دهد که مدل ساختاری پژوهش ضرورتاً نیاز به اصلاح ندارد؛ هر چند ممکن است بتوان با برخی اصلاحات جزئی آن را بهبود بخشید.

این امر را می توان ارتباط بالاتر ساکنان با عناصر کالبدی این محله در قیاس با محله مرداوایج دانست. نتایج نشان داد نیاز سنجی اجتماعی - فرهنگی - تفریحی در محله مرداوایج در سطح نسبتاً پایین تری در قیاس با محله عباس آباد قرار دارد. به همین علت، با آنکه این محله دارای بافتی مدرن و امروزی است، نتوانسته است پاسخگوی نیاز انسان معاصر باشد و همین مسأله منجر به ضعف احساس تعلق ساکنان و حس هویت‌مندی آنها به محله مسکونی شان شده است، اما محله عباس آباد به دلیل بالا بودن شاخص های کیفیت فضایی در آن، همچون نفوذ عناصر طبیعی (مادی) به درون محله، تجانس نسبی کالبدی در مقایسه با محله مرداوایج، امکان تعاملات اجتماعی بالاتر در سطح خرده بلوک ها با توجه به بافت ارگانیک حاکم بر آن، وجود عناصر کلیدی و حساس در سطح محله همچون امامزاده، کلیسا، مسجد و ... به همراه پشتوانه تاریخی که این محله تصویر ذهنی ساکنان خود همواره القا می کند، احساس امنیت، تعلق خاطر و هویت‌مندی بالا تری را برای ساکنان خود به همراه داشته است.

همچنین نتایج بیانگر تاثیر نفوذ پذیری ضعیف تر بر بافت محله مرداوایج، تأثیر سطح و نفوذ پذیری باشدت قویتر در محله عباس آباد بوده است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که دسترسی بالا، در سطح محله مرداوایج (از شاخص های سنجش نفوذ پذیری فیزیکی)، به دلیل بافت شطرنجی حاکم بر

مقادیر شاخص های برآزش کلی نشان می دهد داده های تجربی گردآوری شده در این پژوهش مدل نظری را تأیید می کند.

۴- نتیجه گیری

نتایج نشان می دهد که احساس هویت محله ای در هر دو محله مرداوایج و عباس آباد در سطح متوسط و کم قرار گرفته است. طبق نتایج این تحقیق، سطح بافت محلات بر هویت اجتماعی در هر دو محله ی عباس آباد و مرداوایج دارای تأثیر است. تأیید فرضیه فوق مؤید نظریات دانشمندان، چون زیمل است که موضوع احتمال افزایش از خود بیگانگی انسان در شهر های مدرن و بی هویتی وی در برابر نوآوری های انجام شده و عدم تطابق این نوآوری ها با نیاز انسان امروز را یاد آور گردید. همزمان با وی، ماکس وبر به مسأله بحران عقلانیت در شهر های جدید و زوال هویت انسانی نیز اشاره نموده است. مامفورد نیز مسأله اصلی شهرسازی مدرن را هویت شهری دانسته، عقیده دارد نوسازی شهری عصر حاضر از نظر معماری و اجتماعی فاقد شخصیت است. بر اساس نتایج این تحقیق که به صورت مقایسه میان دو محله عباس آباد و مرداوایج صورت گرفت، به دلیل الگوهای فرهنگی متفاوتی که بر محله عباس آباد در مقایسه با محله مرداوایج حاکم است، این محله احساس تعلق بیشتری را برای ساکنان خود فراهم نموده است. علت

محلّه، به کاهش سلسله مراتب دسترسی از خارج محلّه به تک تک دانه های درون آن واز بین رفتن حریم خصوصی محلّه منجر شده است این مسأله تا اندازه زیادی نفوذ پذیری فیزیکی محلّه مرداویج را تحت الشعاع قرار داده است. در محلّه عباس آباد حضورکوچه های بن بست درسطح خرده بلوک ها، به دلیل غلبه بافت ارگانیک در این قسمت ها، سلسله مراتب دسترسی قویتر و حفظ حریم بالاتر در نتیجه احساس امنیت بهتر و تعاملات اجتماعی بالاتر را برای ساکنان محلّه به همراه داشته است.

نتایج همچنین مؤید تأثیر سطح در هم تنیدگی بافت بر احساس هویت محلّه ای در هر دو محلّه است این نتایج نشان داد میزان در هم تنیدگی بافت در بافت تاریخی عباس آباد در قیاس با بافت شطرنجی مرداویج بالاتر بوده است. رضایتمندی بالاتر ساکنان محلّه عباس آباد از لحاظ فضا های سبز، زمین بازی کودک، زمین ورزشی، پارک، و... در مقایسه با حجم ساختمانهای موجود در محلّه، به دلیل مجاورت این محلّه با رودخانه زاینده رود و نفوذ این عنصر طبیعی توسط مادی به درون محلّه، به در هم تنیدگی بالاتر این محلّه در تصویر ذهنی ساکنان و احساس هویتمندی بالاتر در قیاس با محلّه مرداویج منجر شده است.

تأثیر سطح متغیر خوانایی بر احساس هویت

محلّه ای در محلّه عباس وجود نداشت،

اما تأثیر سطح این متغیر بر احساس هویت در محلّه مرداویج وجود داشت. از شاخص های سنجش خوانایی، امکان تشخیص جهت و موقعیت سنجی در هر دو محلّه در سطح یکسان و متوسطی قرار گرفت. میزان پاطوغ ها جهت تعاملات اجتماعی در مجموع در محلّه مرداویج به دلیل وجود فضای سبز در مرکز این محلّه و ارتباط خوب ساکنان با این فضا، بیشتر از عباس آباد نشان داده شد. همین امر در بالاتر رفتن میزان خوانایی در تصور ذهنی ساکنان محلّه مرداویج مؤثر بوده است. آدرس دهی با عناصر نشانه ای و بر جسته در سطح هر دو محلّه در صد بالایی را به خود اختصاص نداده است که این مطلب نشان دهنده غلبه بافت شطرنجی در محلات و عدم حضور نشانه ها در سطح محلّه خصوصاً در تصور ذهنی ساکنین آن است.

۵- پیشنهادها

بر مبنای نتایج به دست آمده از این پژوهش، به منظور طراحی فضاهایی پاسخده در محلات برای بالا بردن تعاملات اجتماعی ساکنان، همچنین افزایش حضور آنها در عرصه های عمومی محلّه پیشنهادها و راهبردهایی به شرح زیر ارائه می گردد:

۵-۱- تشویق به توقف و مکث؛

- فراهم آوردن عرصه ای برای حضور مردم؛

- ۵-۵- مناسب سازی با شرایط اقلیمی
- توجه به اقلیم شهر در طراحی و لحاظ اقداماتی برای مکان‌های آفتاب‌گیر در تابستان و نقاط یخبندان در زمستان مانند پوشش گیاهی پهن برگ؛
 - استفاده از پوشش گیاهی غالب تا بیانگر شرایط محیطی باشد؛
 - واکنش مناسب و منطقی به شرایط اقلیمی.
- ۶-۵- تنوع در فعالیت‌ها و تنوع در گروه‌های سنی مخاطبان
- تنظیم و تقسیم عرصه کلی میدان به کارکردهای گوناگون؛
 - طراحی و مکان‌یابی حرکت سواره در راستای افزایش کارایی و سطح فضای پیاده؛
 - تنوع و انعطاف‌پذیری فضاهای طراحی شده؛
 - ایجاد فضاهای فرهنگی-ورزشی-فراغتی برای جوانان و نوجوانان؛
 - توجه به وضع موجود، به ویژه حفظ فضای سبز موجود؛
 - تعریف دقیق حضور سواره و پیاده، چگونگی حرکت پیاده و سواره و توجه به نقاط تقاطع و تداخل حرکت سواره و پیاده؛
 - توجه به گروه‌های سنی خاص، مثل سالخوردگان، کودکان، جوانان و در نظر گرفتن فضایی با کاربری خاص برای هر گروه؛
 - ایجاد بالاترین تنوع فعالیتی مثل بازار روز.
- ۲-۵- کاستن از سرعت حرکت
- طراحی فضای منحنی‌وار، سرعت را کاهش می‌دهد؛
 - مکان‌یابی مناسب فعالیت‌ها به صورتی که امنیت حداکثر برای بهره‌بردار فراهم سازد؛
 - در میدان محلی ارجحیت با پیاده است و تلاش بر کند کردن حرکت سواره است؛
 - هدایت مناسب دسترسی سواره با توجه به اینکه نمی‌توان دسترسی سواره محله را قطع نمود؛
 - هدایت مناسب دسترسی پیاده به طوری که تداوم حرکت پیاده را داشته باشیم.
- ۳-۵- ایجاد جاذبه‌ی بصری
- ترکیب مناسب احجام و نماها و جزئیات؛
 - مبلمان مناسب؛
 - تزیینات و الحاقات مناسب که مطلوبیت فضا را افزایش می‌دهد.
- ۴-۵- فراهم آوردن مکان استراحت برای عابران
- طراحی فضای استراحت با حفظ درختان کهنسال مجموعه و استفاده از توپوگرافی مجموعه.

۷-۵- پیش‌بینی مبلمان شهری مورد نیاز

- طراحی مبلمان ویژه برای گروه‌های سنی خاص؛
- طراحی مبلمان ویژه برای شرایط اقلیمی خاص؛
- طراحی مبلمان قابل لمس، مثل حیوان یا سایر مجسمه‌ها؛

۸-۵- پیوستگی دو جداره (نیمه شفاف)

- استفاده از مصالح مختلف، ولی هماهنگ با همدیگر؛

- استفاده از سایبان‌ها برای یکپارچگی جداره؛

۹-۵- ارتقای کیفیت زیست-محیطی محدوده

- ایجاد زمینه‌های حضور مردم در فضاهای عمومی در ساعات مختلف شبانه‌روز؛

- به کارگیری گونه‌های سبز در محیط به منظور تلطیف فضا و کاهش آلودگی محیط زیست انسان؛

- طراحی فضای سبز عمومی؛

- پیشنهاد درصد سبزی‌نگی در فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی؛

- طراحی مسیرهای سبز پیاده؛

- استفاده از عناصر طبیعی (درخت) در عرصه‌های عمومی به منظور ایجاد آسایش اقلیمی (سایه اندازی و محیط مطلوب برای توقف پیاده).

۱۰-۵- تمهیدات کالبدی - فضایی

- استقرار خدمات وابسته و همپوند در نزدیکی یکدیگر؛

- ایجاد چند هستهٔ فعالیتی - فراغتی در محدوده؛

- طراحی عرصه‌های تجمع عمومی به گونه‌ای که تلفیقی از فضاهای خدماتی، تفریحی و باز باشد؛
- استقرار کاربری‌هایی با عملکرد تا پاسی از شب، به منظور ارتقای امنیت و سرزنده سازی محیط.

۱۱-۵- شبکه بندی معابر و رعایت سلسله مراتب

دسترسی‌ها

- طراحی مسیرهای مناسب برای حرکت دوچرخه؛
- به کارگیری کاربری‌های جاذب برای گروه‌ها و افراد متفاوت در طول مسیر.

- همچنین با استناد به نتایج به دست آمده از پایان نامه (۱۳۸۸) که به مقایسه تطبیقی کالبد محلات در شهرهای سنتی ایران و کلانشهرهای امروز پرداخته است، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- فقدان عوامل انقطاع در محله؛

- پیوند میان محلات هم جوار در یک کل بزرگتر؛

- وجود مشترکات میان استفاده کنندگان از محله؛

- مشارکت استفاده کنندگان در تغییر محله؛

- وجود ورودی‌های تعریف شده و منحصر به

- فرد در محلات؛

- تجهیز فضاهای محله برای انجام فعالیت‌های

- موسمی؛

- تشویق به سکونت درازمدت در محله؛

- جلوگیری از مهاجرت ساکنان اصلی در محلات؛

- وجود تعامل و همبستگی میان ساکنان محله.

Resources

- Afrugh, E. (1377). Space and social inequalities: A model for spatial separating and its consequences. Tehran: Tarbiat Moddares University Press.
- _____ . (1380). Iranian identity. Tehran: Bogh'e Press.
- Akhtarshahr, A. (1386). The elements of religious social identity of the student. Islamic University Quartely, Vol. 11, No. 3.
- Behzadfar, M. (1386). City identity: A glance to Tehran identity. Tehran: Shahr Press Institute.
- Bently, A. (1382). Respondent environment (translated by Behzadfar, M.) Tehran: Industry and Science University Press.
- Cause. R. (2005). Encyclopedia of the city. New York: Routledge.
- Cowan. R. (2005). The dictionary of the urbanism street. Britain. Wise Press.
- Chris, A. (2000). Architecture and Identity: Responses to cultural and technological change. Oxford: Architectural Press.
- Piran, P. (1384). Cities' identity: A debate on a complex concept. Abadi Quarterly, Vol. 15.
- Foth, M. (2004). Designing networks for sustainable neighbourhoods: A case study of student apartment complex. [http://eprints. qut. edu. ac /archive/...1906/01/foth. pdf](http://eprints.qut.edu.au/archive/...1906/01/foth.pdf).
- Graham, B. (1998). Modern Europe: Place, culture and Identity. New York: Oxford Uniuersity Press.
- Neal, P. (2003). Urban village and the making of communities. London: Spon Press.
- Pakzad. J. (1375). Identity and convergence to the space. Sofeh, Vol. 6, No. 21-22.
- _____ . (1385). Introduction to theory and process of urban design. Tehran: Shahidi Press.
- _____ . (1386). Articles on the concepts of architecture and urban design. Tehran: Shahidi Press.
- Tavasoli, M. (1378). Urban sociology. Tehran: Paiame Noor University Press.
- Jenkinz, R. (1381). Social identity (translated by Yarahmadi, T.). Tehran: Shirazeh Press.
- Jeidan, R. (1385). Social critique of postmodernism and identity crises (translated by Najafi, S.). Tehran: Paradise Danesh Press.
- Hossaini, K. (1382). Theoretical introduction to identity forming. Social Science Quarterly, Summer and Fall Edition.
- Doran, B. & Mohseni, M. (1382). Identity: approaches and theories. Journal of Pedagogy and Psychology, Special Edition on Identity, Vol. 1, Spring and Summer, Ferdosi University of Mashad.
- Daneshpour, A. (1379). Recognition of identity concept in public urban space. Doctorate Thesis of City Design, Fine Arts Faculty, Tehran University.
- Zadraffiei, N. (1384). Spatial social process of city identity. Abadi, Vol. 15, No. 48.
- Sarukhani, B. (1370). Social science encyclopedia, Tehran: Keyhan Press.
- Sarukhani, B. and Rafatjah, M. (1383). Women and redefinition of social identity. Journal of Iranian Sociology, Vol. 5 No. 2.
- Fatehi, A. (1382). The effect of students' social capital in the city of Tehran. Doctorate Thesis of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan.
- Fakuhi, N. (1383). Urban anthropology. Tehran: Nei Press.
- Ghasemi Esfahani, M. (1383). Where are we from? : Identity of residential textures. Tehran: Rozaneh Press.
- Golmohammadi, A. (1381). Globalization, culture, identity. Tehran: Nei Press.
- Giddens, A. (1378). Modernity and self-identity (translated by Movafaghian, N.). Tehran: Nei Press.
- Goffman, E. (1386). Stigma: Notes on the Management of Spoiled Identity (translated by Kianpour, M.). Tehran: Nei Press.
- Lynch, K. (1384). Theory of city form (translated by Bahreini, S. H.). Tehran: Tehran University Press.

-
- Savre, L. , & Arbour D. (1989). Joinig old and neighbourhood planning and Architecture for city revitalization. epfl. ch/revevel Saver. pdf.
 - Usefi, N. (1383). Gap between generations. Tehran: Social and Humanities Institute of Academic Jahad.
 - Valera, S. (1997). Public space and social identity. <http://www.ub.es>, Valera. pdf. pp: 2-18.
 - Walmsley, D. J. (1988). Urban living: The individual in the city. Michigan: University of Michigan, Longman Scientific & Technical.